VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

# وطن امروز

شنبه | ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ | ۲۳ محرم ۱۴۴۲ | سال دوازدهم | شماره ۳۰۲۱ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.3021 | SAT.SEP.12, 2020 | ISSN:2008-2886

# نوبل جنایت

**ترامپ در سالی نامزد جایزه صلح نوبل شده که حتی سازمان ملل هم اقدام او در صدور فرمان مستقیم ترور سپهبد شهید قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی مهندس را جنایتی غیرقانونی و نقض قوانین حقوق بین‌الملل دانسته است**

**علی آران:** دونالد ترامپ دوباره نامزد جایزه صلح نوبل شد و شیرین عبادی و مسیح علی‌نژاد همچنان زبان در قفا دارند. این کاسبان حقوق بشر از ۲ سال پیش که رئیس‌جمهور ضدبشر آمریکا برای بار اول نامزد جایزه بدنام نروژی شد، وقت داشتند از پدیده لجن‌مال کردن مفهوم صلح توسط میراث‌دار مخترع دینامیت اعلام برائت کنند اما اگر شما شنیدید در مهد آزادی بیان علیه ترامپ دم بزنند، ما هم شنیدیم. آنها و امثال آنها حتی حاضر نشدند با نیمی از جامعه ایالات متحده علیه منش و روش کثیف ترامپ همراه شوند، یعنی جماعتی که اتفاقا دارای مشترکات سیاسی با حزب دموکرات محبوب همین لیبرال‌ها و فمینیست‌های ایران‌فروش است.

پیداست عبادی‌ها و علی‌نژادها برای ماندن در بهشت دموکراسی موعودشان و قطع نشدن مواجب‌شان باید در مقابل هر آنچه ناسیاستمدار فاسدی مثل ترامپ- که کمینه فسادش اداره شبکه فحشا و فساد با شراکت بانکداران یهودی و اشراف انگلیسی است- انجام می‌دهد، تمکین کنند.

نمی‌شود هم انتظاری بیش از رجاله‌های ابن‌الوقتی داشت که تنها تجسم‌شان از حقوق زنان، چک‌های چند صد هزار دلاری است که بنیادهای آنگلوجهود و صداخفه‌کن‌های بشریت به عنوان حقوق به آنها پرداخت می‌کنند؛ بنیادهایی با عناوین دهان پرکن «دفاع از دموکراسی» یا «صلح» که به اسم دموکراسی و صلح، جنگ‌های بی‌دلیل راه انداخته و خون بی‌گناهان را ریخته‌اند.

درست مثل فوج فوج فمینیست‌های آمریکایی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ با افتخار به این لاابالی یانکی رای دادند، در حالی که جز پرونده‌های گشوده زن‌ستیزی و زن آزاری‌اش در دادگستری فدرال ایالات متحده، در گفتار هم تاکید داشته و دارد که اساسا با فمینیسم مخالف است.

این گونه غرب وحشی پسالیبرالی با ظهور ترامپ، چهره واقعی‌اش را رخ نموده و حالا پرده‌ها یکی پس از دیگری از مقابل ابعاد ماهیتی ضدبشری آن کنار می‌روند.

برای این مورد خاص یعنی جایزه صلح نوبل نیز دیگر اعتباری باقی نمانده است.

نامزد کردن عروس صلح برای داماد لجاره‌ای چون ترامپ، حتی نقض غرض انگیزه آلفرد نوبل مرحوم از ابداع آن است که پیش از مرگش در آخرین روزهای قرن نوزدهم میلادی وصیت کرده بود: «این جایزه باید به کسی داده شود که بهترین یا بیشترین کوشش را در راه برادری ملل، انحلال یا کاهش تنش‌ها یا تشکیل و ترغیب کنفرانس‌های صلح کرده باشد».

اما حالا کمیته صلح نوبل که ساختاری کاملا جدای از ۴ کمیته دیگر برای جایزه‌های نوبل فیزیک، شیمی، ادبیات و اقتصاد دارد، در انحصار طبقه حاکم نروژ است، یعنی یکی از اعضای فعال ناتو که از شراکت در جنایت‌های جنگی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در دهه‌های اخیر ابایی نداشته است.

بدتر از قرار گرفتن مشهورترین جایزه صلح جهانی در انحصار خاندان سلطنتی و احزاب سیاسی راست و چپ یک کشور اسکاندیناویایی، نحوه کارکرد کاملا بروکراتیک کمیته صلح نوبل است به طوری که منافع دولت نروژ، کشورهای همپیمان آن و رسانه‌ها و شرکت‌های جهانی تامین‌کننده منافع اسلو به عنوان مولفه‌های اصلی انتخاب برگزیدگان صلح هر سال بر فاکتور انسانی «وجدان» ارجحیت پیدا می‌کنند. در نتیجه در خلال ۱۱۹ سال گذشته که ۱۰۲ دوره این جایزه به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی (ارگان‌ها و سازمان‌ها) اعطا شده، نمی‌توان موارد متعددی را که دامن صلح با اعطای جایزه به جنایتکاران لکه‌دار شده، استثنا تلقی کرد.

اگر به گذشته فلش‌بک بزنیم با چند مورد بسیار بدنام از برندگان صلح نوبل بدین شرح مواجه می‌شویم: باراک اوباما (۲۰۰۹) رئیس‌جمهور پیشین آمریکا که در کشتار هزاران زن و کودک عراقی، سوری، افغانی، یمنی، سومالیایی و پاکستانی بی‌گناه با پهپادهای مرگ پنتاگون و قتل‌عام‌هایی مثل هائیتی دست داشته/ ال گور (۲۰۰۷) معاون پیشین بیل کلینتون که در جنایات جنگی او در خاورمیانه و شمال آفریقا شریک است/ مناخیم بگین، اسحاق رابین و شیمون پرز به عنوان نخست‌وزیران رژیم صهیونیستی که چه به عنوان نظامیان سابق ارتش عبری و چه در مقام سیاستمداران ارشد اسرائیلی، جنایتکارانی قهار در نسل‌کشی‌های متوالی فلسطینیان طی نیم قرن بودند/ آن سانگ سوچی (۱۹۹۱) که پس از دریافت جایزه به عنوان رهبر اپوزیسیون و نخست‌وزیر میانمار از نسل‌کشی فجیع روهینگیایی‌های مسلمان توسط اکثریت بودایی حمایت کرد/ هنری کیسینجر (۱۹۷۳) که زمان تصدی وزارت خارجه آمریکا کودتای خونینی را برای سرنگونی دولت سالوادور آلنده در شیلی ساماندهی کرد. کمیته ۵ نفره منتخب پادشاه نروژ- که یک مقام غیردموکراتیک و غیرانتخابی و دارای منافع مشترک با خاندان‌های سلطنتی بریتانیا، هلند، سوئد و دانمارک است- از این دست افتخارات زیاد دارد. ۵ عضو این کمیته را نمایندگان جناح‌های مختلف پارلمان نروژ تشکیل می‌دهند که حتی گرایش‌های راست‌گرای افراطی نژادپرست و فاشیستی هم در آن کرسی دارند. آنها تا روز اول ماه فوریه (بهمن‌ماه) هر سال فهرستی بلند بالا از نامزدهای مورد نظر خود یا معرفی شده توسط سیاسیون همپالکی و اساتید دانشگاهی را که نزدیک به دیدگاه‌های آنها هستند، جمع‌آوری کرده و لیست نهایی کوتاه‌تری شامل ۲۰ تا ۳۰ نفر را معرفی می‌کنند که برنده نهایی از میان آنها و در روندی تقریبا نامشخص برگزیده می‌شود که بیش از استناد به مدارکی که معرفی‌کنندگان ارائه داده‌اند، جوسازی رسانه‌های شرکتی غربی بر آن تاثیرگذار است.

امسال هم مثل ۲۰۱۸ کریستین تیبرینگ، نماینده امنیتی و راست‌گرای پارلمان نروژ، دونالد ترامپ را به عنوان نامزد صلح نوبل معرفی کرده است. کافی است بدانیم تیبرینگ ریاست هیات نروژی در مجمع پارلمانی ناتو را برعهده دارد، به عبارت دیگر منافع او و همپالکی‌هایش کاملا با منافع نظامی آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی گره خورده است.

او در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز ضمن تقدیر از نقش میانجیگرانه رئیس‌جمهوری آمریکا در عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و امارات، افاضه کرده: «فکر می‌کنم دونالد ترامپ بیش از اغلب دیگر نامزدهای جایزه صلح نوبل برای ایجاد صلح بین ملت‌ها تلاش کرده است(!)».

معمولا تصمیم درباره برنده نهایی جایزه صلح نوبل در آخرین جلسه کمیته نروژی یعنی اواخر سپتامبر یا اوایل اکتبر انجام می‌شود و اگر اعضا به اجماع نرسند، رای اکثریت به حساب می‌آید. به عبارت دیگر حامیان راست‌گرای دولت ترامپ می‌توانند با جایزه نوبل صلح به او برگ برنده‌ای حیاتی در نبرد انتخاباتی ۴ نوامبر برای ماندنش در کاخ سفید تقدیم کنند. این احتمال زمانی قوت می‌گیرد که بدانیم اخیرا اسرائیلی‌ها هم وارد طرح گسترش ناتو به شرق شده‌اند و لابی نتانیاهو از تل‌آویو با اسلو، همراه با پول‌پاشی‌های لابی صهیونیست آیپک که تمام و کمال پشت سر ترامپ هستند، می‌تواند یک انتخاب ننگین دیگر را برای نوبل رقم بزند.

در این صورت باید گفت نامزد شدن فردی مانند رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان نماد صلح‌آفرینی برای بشریت، آن هم در سالی که او مطابق قوانین حقوق بین‌الملل و قانون اساسی خود ایالات متحده، مرتکب جنایاتی علنی شده، می‌تواند به منزله ختم دورانی باشد که ارزش‌های فطرت‌ستیزانه مدرن با زور و زر غربی‌ها بر بشریت حاکم شد.

ترامپ در سالی نامزد صلح نوبل می‌شود که به خاطر دستور مستقیم ترور سردار شهید قاسم سلیمانی، به عنوان یک مقام ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران و ابومهدی مهندس، همراه و همتایش از جمهوری عراق، قوانین حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. اگنس کالامارد، گزارشگر حقوق بشری ویژه سازمان ملل نیز با رد دلایل دولت آمریکا مبنی بر مشروعیت این ترورها، صریحا این حرکت را جنایتی غیرقانونی و نقض قوانین حقوق بین‌الملل دانسته است.

همچنین برنی سندرز، نامزد پیشین دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰، اقدام دولت ترامپ در به شهادت رساندن سردار شهید قاسم سلیمانی را عملی مجرمانه و معادل کشتن یک فرمانده پنتاگون توسط ایران دانست.

طبق کنوانسیون بین‌المللی منع قتل و سوءقصد به مقامات رسمی و ماموران تحت محافظت دولت‌ها که ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ در صحن سازمان ملل به تصویب رسیده و ایالات متحده و ایران آن را سال ۱۹۷۶ امضا کرده‌اند، کشورمان می‌تواند رسما در شورای امنیت سازمان ملل نسبت به نقض این کنوانسیون از شخص رئیس‌جمهور آمریکا و دولت متبوع او که آمر، عامل و معترف به جنایت مزبور بوده‌اند، شکایت کند و در عین حال شکایت کیفری مشابهی را به دادگاه‌های آمریکا ببرد. همچنین می‌دانیم که پس از امضای کنوانسیون سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۳ کنگره آمریکا برای ممانعت از حمله به مقامات رسمی کشورهای عضو سازمان ملل و سایر اشخاص محافظت‌شده هنگام مسافرت و انجام امور تجاری در سراسر دنیا، بند ۱۱۱۶ از ماده ۱۸ قانون اساسی ایالات متحده را گسترش داد تا وزارت دادگستری از صلاحیت خارجی (برای برخورد با مجرمان) برخوردار باشد. بدین ترتیب ترامپ از نظر قوانین موضوعه آمریکا هم بدون نیاز به استیضاح و به‌رغم این عقیده کهنه و غبارآلود دستگاه قضایی واشنگتن مبنی بر اینکه نمی‌توان در حین کار (به عنوان رئیس‌جمهور) برای او کیفرخواست صادر کرد، در داخل آمریکا قابل پیگرد است.

بر این اساس از زمان این ترور یعنی روز ۳ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی ۱۳۹۸) متهم بودن ترامپ در رابطه با ارتکاب یک جنایت بین‌المللی در حق مقامات رسمی دیگر کشورهای عضو سازمان ملل (ایران و عراق) قطعی است. طبیعی است اگر صلاحیت چنین جنایتکاری حتی به شکل مقدماتی توسط کمیته نروژی نوبل، تایید شود جایزه صلح نوبل، به طور مطلق عاری از ارزش‌های مشترک انسانی خواهد شد.

رئیس‌جمهور آمریکا امسال همچنین در موارد متعدد از رفتار نژادپرستانه پلیس، گارد ملی و حامیان خود که در چند مورد به قتل شهروندان رنگین‌پوست آمریکایی منجر شده، حمایت کرده و همین عاملی شده برای بی‌سابقه‌ترین تظاهرات ضدحکومتی در سراسر ایالت‌های این کشور که با دستور کاخ سفید شدیدا سرکوب شده‌اند. علاوه بر این، ترامپ در همین سال اخیر اظهارنظرهایی خطرناک نظیر دستور نافرمانی به شهروندان برخی ایالت‌های تحت قرنطینه کرونایی نظیر میشیگان یا تشویق حامیان جمهوری‌خواهش برای ریختن به خیابان‌ها در صورت شکست او در انتخابات پیش روی ریاست‌جمهوری داشته است؛ رفتار و گفتاری که روح برادری بشری را که آلفرد نوبل مدنظر داشت به عریان‌ترین شکل ممکن به چالش می‌کشد.

ترامپ خود مدعی است لایق دریافت جایزه صلح نوبل است و باید اعتراف کرد وقتی جنایتکارانی چون مناخیم بگین و هنری کیسینجر این تحفه تبلیغاتی را دریافت کرده‌اند، لاجرم ترامپ هم لایق چنین نشان بدنامی است. جالب اینکه نادیا مراد، خانم کرد ایزدی عراقی رهیده از دست تکفیری‌های داعشی وقتی در همان سال نخست نامزدی ترامپ، جایزه صلح نوبل ۲۰۱۸ را برد، در مواجهه با رفتار بی‌ادبانه رئیس‌جمهور آمریکا از این موضوع ابراز شگفتی کرد که چگونه ترامپ حتی حاضر نشده بود پیش از آن دیدار، سرگذشت تلخ او و خانواده‌اش را که دلیل اصلی برگزیده شدنش توسط کمیته صلح نوبل بوده، مطالعه کند. ترامپ طوری رذیلانه با زن ایزدی مواجه شده بود که انگار این زن به خاطر مورد تجاوز قرار گرفتن توسط داعشی‌ها جایزه را برده است. او با لحنی تحقیرآمیز در بدو ورود نادیا مراد به اتاق بیضی کاخ سفید پرسیده بود: «آنوقت به شما جایزه صلح نوبل دادند؟ جالب است! آنها به چه دلیل این جایزه را به شما دادند؟»

متفکران، جنگ را صلح مسلح خوانده‌اند و گریزی نیست از اینکه اعتراف کنیم صرف نامزد کردن کسی مثل ترامپ- که ارزش‌های انسانی را به چالش می‌کشد- برای جایزه صلح جهانی اقدامی شنیع بسان اعلان جنگ نوبلی‌ها به صلح است. قهرمان صلح نامیدن ترامپ در سال ارتکاب جنایت‌های آشکار از آن هم شنیع‌تر؛ این دیگر نه صلح مسلح که صلحی مثله است.

## تیترهای امروز

«وطن‌امروز» از **۷ سال** مدیریت دولت روحانی و تأثیر آن بر قدرت بازدارندگی و انسجام داخلی گزارش می‌دهد

### خشکسالی

صفحه ۵

رئیس دستگاه قضا در شانزدهمین سفر استانی خود به استان چهارمحال‌وبختیاری رفت

### پای حرف محرومان

■ ابطال قرارداد واگذاری کشتارگاه فارسان به بخش خصوصی

صفحه ۲

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس درباره نظارت ساترا بر تولید و پخش در پلتفرم‌های اینترنتی

### ساترا و تقویت نظارت

صفحه ۸

غفلت ۱۴ ساله از اجرای قانون «تسهیل ازدواج»

### زوج‌های بی‌پناه!

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از تبعات افزایش ۱۰۰ درصدی نرخ تبدیل ارز برای تأمین هزینه‌های بودجه

### تسعیر ارز یا تسریع تورم؟

■ تسعیر ارز موجب افزایش شدید پایه پولی و نقدینگی می‌شود

صفحه ۳

مسیر درست ورود مربیان جوان به بدنه فوتبال ایران

### پوست‌اندازی نیمکت

صفحه ۶

## نگاه

### راز گردنکشی جانسون برای اروپاییان

[ محمدحسین مهدوی‌زادگان ]

منازعه لندن- بروکسل بر سر «برگزیت» به نقطه اوج خود رسیده است! دولت بوریس جانسون تحت تاثیر حمایت و القائات ترامپ، قصد ندارد کمترین امتیازی به اتحادیه اروپایی درباره نقاط حقوقی، شهروندی و اقتصادی مورد اختلاف بدهد. در مقابل، اتحادیه اروپایی نیز به وضوح می‌داند که اگر با خواسته‌های غیرقانونی و زیاده‌خواهانه دولت بوریس جانسون موافقت کند، «برگزیت» تبدیل به یک «الگوی مطلوب» برای کشورهای دیگر عضو این مجموعه خواهد شد. در این صورت، احزاب ملی‌گرا و مخالف اتحادیه اروپایی قدرت مانور بیشتری در مقابل این مجموعه آسیب‌دیده و چندتکه پیدا خواهند کرد! ماجرا از زمانی پیچیده‌تر شده است که «بوریس جانسون» نخست‌وزیر انگلیس تصمیم خود مبنی بر «بازنگری در بخشی از توافق اولیه برگزیت» را اعلام کرد! در مقابل، کمیسیون اروپا تا پایان ماه سپتامبر (اوایل مهرماه) به دولت بوریس جانسون فرصت داده است لایحه بازنگری بخشی از تعهدات بریتانیا در قبال موافقت با برگزیت را پس بگیرد، در غیر این صورت «اتحادیه اروپایی از ارجاع پرونده به دادگاه» خودداری نخواهد کرد. تحلیلگران اروپایی معتقدند اقدام اخیر جانسون، به معنای شکست کامل مذاکرات برگزیت و ایجاد بن‌بست رسمی در این مذاکرات است؛ مذاکراتی که از ابتدا نیز مشخص بود به نتیجه مشخص و توافق دوجانبه‌ای ختم نخواهد شد.

یکی از موضوعاتی که جانسون و مقامات انگلیسی را بشدت آشفته کرده است، مربوط به آینده «ایرلند شمالی» و «اسکاتلند» می‌شود. جانسون در مقابل نمایندگان مجلس عوام انگلیس مدعی شده است هر گونه اقدامی را برای زنده نگاه داشتن صلح میان ایرلند شمالی و جنوبی انجام می‌دهد! این در حالی است که بر اساس پروتکل «موافقت‌نامه جدایی» میان بریتانیا و اتحادیه اروپایی، مرزهای ۲ ایرلند نباید با موانع فیزیکی از یکدیگر جدا شود اما در صورتی که «برگزیت سخت» رخ دهد و انگلیس بدون هیچ‌گونه توافقی از اتحادیه اروپایی جدا شود، امکان ایجاد «مرز سخت» میان ایرلند شمالی و جنوبی وجود خواهد داشت. در این صورت تلاش‌های صورت گرفته برای ایجاد صلح میان ۲ ایرلند از بین خواهد رفت و انگیزه‌های طرفین برای تقابل با یکدیگر افزایش خواهد یافت.

مسأله دیگر، به جدایی اسکاتلند از انگلیس بازمی‌گردد. مطابق آخرین نظرسنجی‌های صورت‌گرفته در اسکاتلند، ۵۷ درصد ساکنان این منطقه خواستار جدایی از انگلیس (پس از برگزیت) هستند.

ادامه در صفحه ۶

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲